



مروری بر فروشگاه کتاب بازی

هر کتاب یک بازی طنز

ابراهیم کاظمی مقدم

نویسنده و طنزپرداز

نکته بهداشتی:
هشدار!

ادامه‌ی این راه برای این افراد ممنوع است:

۱. کسانی که از خون می‌ترسند
 ۲. بچه‌هایی نوبی تاریکی شلوارشون رو خیس می‌کنند
 ۳. بچه‌هایی که نواردوها همون اول دلشون برا مامانشون تنگ می‌شه
 ۴. و کسانی که از خورده شدن خاطره‌ی خوشی ندارند
- در انتها باید بگویید «من نمی‌ترسم» و بازی را شروع کنید و با حل معماهای چالش برانگیز هوش و ریاضی به قهرمان داستان کمک کنید تا در مقابل هیولای واقعی پیروز شود. پس از پیروزی، شما در قرعه‌کشی روزانه شرکت داده خواهید شد و احتمال دارد برنده خوش شانس جایزه‌ی یک میلیون تومانی شوید.
- این سایت با تلاش حوزه هنری کودک و نوجوان به روز می‌شود. در توضیحات سایت آمده: «کتاب بازی بستری برای برگزاری پویش‌های کتابخوانی و داستان‌نویسی، مبتنی بر گیمیفیکیشن است و سعی در کنشگر ساختن مخاطب دارد.»

سایت کتاب‌بازی علاوه بر این مسابقات جذاب، پویش‌های کتاب‌خوانی زیادی را در مناسبت‌های مختلف برگزار می‌کند که زحمت توضیح مسائل پیچیده به نوجوان شما را کم خواهد کرد. برای مثال پویش کتاب‌خوانی «کوفه به روایت تو» و «کتاب‌های چریکی» بار آشنایی نوجوان شما با کرلا و دفاع مقدس را به دوش خواهد کشید. پویش «طوفان به روایت تو» نیز نوجوان شما را با طوفان الاقصی و مسائل غزه آشنا می‌کند. خیالتان راحت، همه این مطالب به صورتی گفته می‌شود که مناسب سن نوجوانان باشد.

لینک: ketabbaazi.ir

آیا نوجوانتان شما را دچار کمبود موی سر کرده؟ آیا روی تک تک سلول‌های عصبی شما پیاده‌روی کرده است؟ آیا می‌خواهید حداقل چند دقیقه در شبانه روز برای خودتان و همسرتان وقت باقی بماند؟ دست نگه دارید! بازی‌های کامپیوتری و موبایلی راه حل مناسبی برای نوجوان شما نیستند! می‌دانم وادار کردن نوجوان به کتاب خواندن مثل وادار کردن یوز ایرانی است به خوردن سالاد شیرازی، اما اگر یک نفر زحمت خوش طعم کردن کتاب را برای شما کشیده باشد چه؟ اگر یکسری کتاب مخصوص نوجوان با کلی مسابقه و پویش طنز و جذاب پیدا کردید که نوجوانتان را جذب کتاب‌های مناسب سن خودش کرد چه؟

حتما پیش از این هم در مسابقات کتابخوانی شرکت کرده‌اید. شاید هم برای ترغیب فرزندانتان و نوجوانان دیگر اقدام به برگزاری آن کرده باشید. به شما اطمینان می‌دهم این یکی فرق خواهد داشت. چندین مسابقه با زبان طنز و شوخی که هم به معلومات شما اضافه می‌کنند، هم شما را می‌خندانند و در عین حال چالشی هستند و نمی‌شود سرسری از آن‌ها رد شد.

کافی ست وارد سایت «کتاب‌بازی» به آدرس ketabbaazi.ir شوید و یکی از مسابقات کتابخوانی را انتخاب کنید. کتاب‌های نوجوانی که در این بازی‌ها استفاده شده، برای همه سلیقه‌ها چیده شده است. از کتاب‌های نویسنده هری پاتر، خانم جی کی رولینگ گرفته تا شاهنامه‌ی فردوسی خودمان. اگر قبلاً کتاب را نخوانده‌اید نگران نباشید. مسابقات کتاب‌بازی طوری طراحی شده که بیشتر تبلیغ کتاب است به زبان طنز. پس حتی اگر کتاب را نخوانده باشید می‌توانید به همراه نوجوانتان در آن شرکت کنید و با کمی هوش و ریاضی جواب درست را بدهید و بعد که با موضوع و مطالب کتاب آشنا شدید کتاب را بخريد. معرکه است، نه؟

برای مثال متن زیر یکی از صفحات بازی «هیولا به توان ۱۰» در سایت کتاب بازی است:



نقد و بررسی فیلم «عروسی مردم»

بسازیم ببینیم چی می‌شه؟

علیرضا عبدی

نویسنده و طنزپرداز



این فیلم، داستانی است درباره زوجی جوان که برای تفریح و جمع کردن شاباش به عروسی‌های افراد غریبه می‌روند. داخل یکی از عروسی‌ها هم که خیلی شیک و پیک است، توی دردسر می‌افتند...

برای نقد و بررسی فیلم، خلاصه سه خطی داستان نمی‌تواند مرجع خوبی باشد. ممکن است دم‌دستی‌ترین ایده‌ها با پرداختی حرفه‌ای، فیلمی شاهکار شوند و برعکس. اما این فیلم هرچند ایده‌ای سبک و دم‌دستی دارد، ولی ساخت و پرداخت آن هم چنگی به دل نمی‌زد. طراح قصه و کارگردان این فیلم مجید توکلی است که برای فیلم «متولد ۶۵» شناخته می‌شود و پیش‌تر هم تله‌فیلم «زیگزاگ» را نیز ساخته بود. جمله دارالشفای نگارش فیلمنامه این اثر را بر عهده داشته و علی سرتیپی تهیه‌کننده شاخص سینمای ایران نیز این فیلم را تهیه کرده است. نام سابق این فیلم «روزی دو میلیون» بوده که اشاره به شغل «ساقدوش داماد» در فیلم دارد که روزی دو میلیون درآمد دارد.

در بازی‌ها، نازنین بیاتی موفق‌ترین کاراکتر است که به‌تنباهای این فیلم را پیش می‌برد. شکیب شجره هنوز به آن چیزی که باید و شاید باشد، نرسیده و در این فیلم هم این قدر آزرچره است که از نازنین بیاتی (نقش اول) و احترام برومند (نقش فرعی) جا می‌ماند. زهرا داوودنژاد هم فرصتی برای عرضه ندارد و فقط نامی از وی در تیتراژ است و صدایی در فیلم!

در فیلمنامه هیچ شخصیت‌پردازی قابل‌ذکری نداریم. با شروع فیلم، نوید و شیما به هم می‌گویند برویم عروسی؟ و می‌روند! البته شغل شیما هم معلوم است: پرستاری که بی‌خواب است و قرص خواب همراه دارد. حالا زندگی‌نامه نوید را باید مخاطب حدس بزند.

درواقع، این فیلم داستان در داستان است ولی در منطق روایی لنگ می‌زند. تا تعلیق نیز پیش می‌رویم، اما اتفاقی که باید بیفتد نمی‌افتد. این فیلم یک فیلم تبلیغاتی است. تبلیغاتی برای تالار عروسی که همه‌ی زوایا و سوراخ‌سمه‌هایش را در کار می‌بینیم؛ حتی سرویس‌های بهداشتی! یعنی تهیه‌کننده و کارگردان این فیلم را ساخته‌اند تا ببینند چه می‌شود! انتهای فیلم هم که نویسنده عاجز است تا پایانی غافلگیرکننده به مخاطب ارائه دهد و طوری کار را خاتمه می‌دهد که مخاطب سرخورده می‌شود!

نگاهی به سریال «مگه تموم عمر چندتا بهاره»

همان همیشگی!

سروش صحت را می‌توان با سریال‌های چارخونه، ساختمان پزشکان، پژمان، شمعدونی و سه فصل لیسانسه‌ها به یاد آورد. سریال‌هایی که توانستند مقبولیت بالایی را در بین مردم کسب کنند. سریال جدید سروش صحت یعنی «مگه تموم عمر چندتا بهاره؟!» سریالی است که این بار از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود و در عین شباهت زیادش به کارهای قبلی او، تفاوت‌های بسیاری نیز با آن‌ها دارد.

این سریال، خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که هر کدام داستان مربوط به خود را دارند. در ابتدا تصور می‌شود که روندی شبیه روند سریال لیسانسه‌ها خواهد داشت؛ خانواده‌هایی معمولی با داستان‌هایی معمولی و بامزه. اما کمی که سریال جلوتر می‌رود، با نبود سیر داستانی مشخص مواجه می‌شویم. در سریال چندین شخصیت وجود دارد که هر کدام هدفی دارند. شخصیت نیما در تلاش برای به دست آوردن دل نامزد خود است. آریتا تلاش می‌کند که در مسابقات شطرنج حریف خود را شکست دهد و باقی شخصیت‌ها نیز به همین منوال.



علیرضا عبدی

نویسنده و طنزپرداز

